

EARTH'S MIGHTIEST HEROES THE AVENGERS



AARON • McGUINNESS
MORALES • KEITH

MARVEL

38

LGY#738

دورنامه

dorname.ir

چند قرن پیش جایی در مرز کانزاس

مثل خیلی از داستان ها
این یکی هم با یه مرد
که توی دوراهی گیر افتاده
شروع می شه.

لطفاً... ما
داریم
می میریم.

ما این همه
راه اومدیم... تا شروع
دوباره ای داشته باشیم.
ولی الان راه گم کردیم
و داریم از گرسنگی
می میریم.

حتی این
قاطر رو هم نمی شه
خورد. به محض اینکه افتاد
و مرد، پر از کرم
شد.

همه قراره
اینجا بمیریم. وسط
کمی چمن و برف و دیکه
هیچ. نمی تونه اینطوری
تموم بشه.

لطفاً...
اگه کسی دعای
منو می شنوه...

من برای
زنده موندن
خانواده ام هر کاری
می کنم. هر کاری.

مفتی
"هر کاری؟"

مثل تمام قراردادهایی که
با افراد درمانده مانده در
دوراهی بسته می شود، این
یکی هم بتعاتی داشت.

پدر؟
برامون غذا
پیدا کردی؟

پدر؟

آمبروس راندولف وینشروپ
در آن شب غذای خوبی
خورد.

و زنده می ماند تا شاهد
رشد خانواده اش باشد.

معامله
انجام
شد.

فقط این
خانواده نه.

AAAAARRRRGGG!!!

به جرگه
ما خوش اومدی
کریم کوچولو.

مثل خیلی از داستان ها،
این یکی با مردی که سر
دو راهی مانده تمام می شود.

درست همونطور
که می دونی، اگه به
حرف اکثر هم تیمی هام
گوش داده بودم...

...این مکالمه
رو از پشت میله های
زندون واگاندای باید
گوش می دادی.

سرش شلوغ
بود. داشت اربابت
رو مینداخت تو
سیاه چال های
آزگارد.

خوب، اگه
کاپیتان آمریکا
می خواست کنار تلفن بشینه
و منتظر عذرخواهی من بشه،
امیدوارم جاش راحت
باشه.

تنها افسوس
من بخاطر اینکه که
کانشو همیشه کانشو خواهد
بود. ولی نظرم درست بود. و
تو هم اینو خوب می دونی
تچالا.

تو ما رو ضعیف
کردی مون لایت... در
زمانی که ما اصلا نمی تونیم
از عهده جبرانش بر بیاییم. وقتی
دنیا پر شده از تشنه های
قدرت.

نیمور،
خون آشام ها، روس ها؟
اونها همه در مقابل یه بمب
هسته ای ... بنام مفیستو مثل
فشفشه هستن.

نقشه ات
برای متوقف کردنش
چیه؟

اون
مرده. تو
کشتیش.

هر دو
می دونیم که
کافی نخواهد
بود.

حق با تونه.
من به چیز دیگه ای
داشتم فکر می کردم.

چطور
می خواهی یه
انتقام جو باشی؟

و هر
نقشه ای که مفیستو
داشته باشه، با کمک
هم نقش بر آب
می کنیم.

تلاش های تو برای
حکمفرما کردن عصر کانشو
شاید با انحراف همراه بوده
باشه، ولی من به انرژی و تعهد
تو احترام قائلم. البته توان تو
در شکست دادن گروه من
به تنهایی هم چیزیه که
نباید ساده از کنارش

به ما
ملحق شو و
خسارتی رو که به بار
آوردی، جبران کن...
با قوی تر کردن ما.

پس من به جایی
می رم که بهش تعلق دارم،
و اون گوشه کثیف از دنیایی که
متعلق به منه نجات می دم... به
تنها روشی که می شناسم.

با دو تا
مشتی که کانشو
نفرینشون کرده.

من سعی
کردم متوقفش کنم.
خونم و روحم رو وقف
این راه کردم. و تو زحمت
کشیدی و از اون کوه افسانه ای
پایین اومدی تا جلوی
منو بگیری.

نه،
نمی شه.

تو دنبال
مفیستو هستی؟
مال تو، پلنگ.

امیدوارم در
متوقف کردن اون بهتر
از مورد من عمل
کنی.

در دوراهی ها
تمام قراردادها
بسته نمی شوند.

اینکه شما پیشنهاد
دادید، اشتباه به نظر
نمی رسد.

بعضی از افراد قبل از
اینکه بتوانند پیشنهادی
را بپذیرند زمان بیشتری
نیاز دارند تا در مورد آن
فکر کنند...

...چقدر آنها درمانده هستند.

کوهستان انتقام جویان

#@%!





کل دنیا.

هر دنیایی.

مفیسوهای دنیاهای دیگه ای که سعی می کردند کانشو رو ترور کنند...معنیش اینه که ماجرا شروع شده.

ما داریم به یه لشکر از شورشیان جهنمی نگاه می کنیم که از تمامی ابعاد واقعیت شکل گرفته و حتی از چنین جنگی آگاه نبودیم. جنگی که همین الان داریم می بازیم.

و بدتر هم خواهد شد. مفیسوها می خوان تمام ابعاد واقعیت رو مسموم کنند. می خوان تمام ستاره ها به تسخیر شیاطین در بیان.

من شاهد ماجرا بودم. اونجا فقط به ما حمله نمی کنند. این کرم ها تمام خطوط زمانی رو آلوده کردند. کرم های اون...

بعضی وقت ها... فکر می کنم زیر پوست من...مشغول تغذیه هستند.

من رسماً نگران تو هستم تونی استارک.

باید هم اینطور باشه. کارول. باید نگران تمام نسخه های وجودی من باشی که تا حالا وجود داشته. درباره خودت هم همین وضعیت هست.

پس ما داریم درباره سفر در زمان و جهان های دیگه روبرو هستیم و یک شیطان خودخوانده که نقشه ای کشیده که تا عصر حجر در زمان پخش شده.

نه. فکر کنم به قبل تر از اون برمی گرده.

یعنی مفیسو دنبال چیه؟

شیطان همیشه دنبال چی بوده استیو؟

"FLECTERE SI NÉQUEO SÚPEROS, ACHERONTA MOVEBO." اگه نتونم آسمان ها رو تغییر بدم...

"...خودم جهنمی به پا
خواهم کرد."

آمبروس راندولف وینتراپ
از دوراهی خود جان سالم
به در برد.

او به تنهایی به غرب سفر کرد،
همسران و کودکان بسیاری اختیار
کرد، به موفقیت هایی بسیار بیشتر از
آنچه تصور کرده بود، دست یافت.

وقتی مرد ثروت زیادی
داشت.

ولی قرضی داشت که هیچ ثروت
دنیوی قادر به بازپرداختش نبود.

مصر بخیر،
بیوه عزیز وینتراپ.

خدای من.
شما اون هستید.
همون که در تقاطع جاده ها
بود. آمبروس همیشه می گفت
شما برمی گردید. چی...خدای من،
می خواهید با بازماندگانش
چیکار کنید؟

بازماندگان من؟
اوه، نه، بازماندگان من
برای من از وقتی متولد شد، عزیزم.
من تا حالا از جانب وینتراپ به هر
چی می خواستم رسیدم.

ولی هنوز قرضش
بازپرداخت نشده. ولی
چیزی که از شما می خواهم بانو، به
نشان برای یادآوری این موضوعه که
دین آقای آمبروس قوت نشده،
الان دین خانواده اشته.

من به یه
بند انگشت از هر
کدوم از فرزندان شما
رضایت می دم، بانو
وینتراپ.

او سالها، دهه ها و قرن ها بازمی گشت
و طلب الطاف بیشتری می کرد. صرفاً جهت
یادآوری.

و بازماندگان وینتراپ همیشه
دین خود را می پرداختند.

از وجود خود. برای انجام کارهای
سیاه در تاریکی. در مورد فرزند
اول هر یک از نسل ها.

و بازماندگان وینتراپ
هرگز گرسنه نماندند و
سرما را حس نکردند.
سالهای سال رشد آنها
پابرجا بود.

و تنها بجای آن چند بند
انگشت و روح نوزادان بود.

به نظر معامله خوبی
بود.

کومستان انتقام جویان

آآم... فکر
نکنم گهواره کار
زیادی براتون بکنه
بچه ها.

نه وقتی
بچه ات بتونه
پرواز کنه.

اون استاربرنده.
فکر کنم کارهایی غیر
از پرواز هم ازش
برمیداد.

فکر نمی کنی
که بدونه... سر
استاربرند قبلی
چه بلایی اومده؟

که من
یه جورایی...
کشتمش؟

طرف چند
قرن گذشته
استاربرند چندین بار
متولد شده. درست مثل
ما سه نفر، دوستان.

سرنوشت
ما به شکلی به
هم گره خورده که هنوز
کاملاً مشخص نیست.

دوباره
موضوع انتقام جویان
توی غاره، درسته؟

می دونید
من تمام فصل های کتاب
آیرون فیست رو خوندم. چیزی
اونجا درباره مدافع عصر حجر
کئون-لان وجود نداره.

ولی بهتون
می گم... درباره اون
پرنده فضایی آتشین که
به زمین برگشته تا دلتون
بخواد مطلب وجود
داره.

«درباره فینیکس، و اینکه
اکثر اون مطالب بد هستند.»

من متخصص
پرندگان
نیستم...

ولی افراد زیادی
رو که تبدیل به خفاش
شدند، با چاقو و شمشیر
زدند. و به نظر میاد که اون
موجود داره لانه گزینی
می کنه.

یه پرنده
آتشین فضایی که
روی زمین لانه گزینی
می کنه. نمی تونه خوب
باشه، مگه نه؟

لعنتی،
از فضا
متنفرم.

داریم از
فینیکس حرف می زنیم.
هر جا پرواز کنه، دنیاها رو
به آتش می کشه.

خوب، پس
من حدس می زنم،
سؤال بعدی من
چییه...

چرا تا
حالا
نکشتیمش؟



...

آره،
می ترسیدم
اینو بگی.

پنتر از
هالک خواسته با
رهبران زمین که می خوان
این جزیره رو بمباران کنند.
جلسه بذاره و سعی کنه اونها
رو از این کار منصرف
کنه.

به نظرم برای
دفاع از اون پرنده
فضایی نیست.

بخاطر اینکه
که اون
عصبانی نشه.



ولی به عنوان
کسی که سالها صرف
جدا کردن سر موجوداتی
که نمی خوان مرده بمونن،
کردم... باید بگم می شه
خون هر موجودی
رو ریخت.



فقط باید
بدونی کجا رو
باید ببری.

می دونی
چیه ارباب
وایکینگ ها. چیزی
رو که نمی گی، من
می تونم بو
بکشم.

تو با این
نیروی فینیکس
ارتباطی داری،
مگه نه؟



فینیکس اینجاست
چون دنبال یه چیزی.
یه آواتار. یه کالبد برای
شعوت سیرین پذیرش برای نابود
کردن جهان هستی.

چیزی که از
تجربه زیادم تو نبردها
و... چیزهای دیگه به دست
آوردم اینکه که ... نمی شه
به فینیکس اعتماد
کرد.

و نباید چیزی
که دنبال شه بهش بدیم.
پس اگه بیاد دنبالش
رهرو روز،
آره...



... پدر آزرگارد
ثور می دونه چطور
باید خون اونو بریزه...
حتی اگه به بهای جونم
تموم بشه.

و احتمالش
زیاده که این اتفاق
بیفته.

چهار میلیارد سال پیش

مثل خیلی از داستان ها، این یکی قبل از شروع آغاز می شود.

با سیاره ای بر سر دوراهی. با یک سلستیال مرده که از آسمان سقوط کرد.

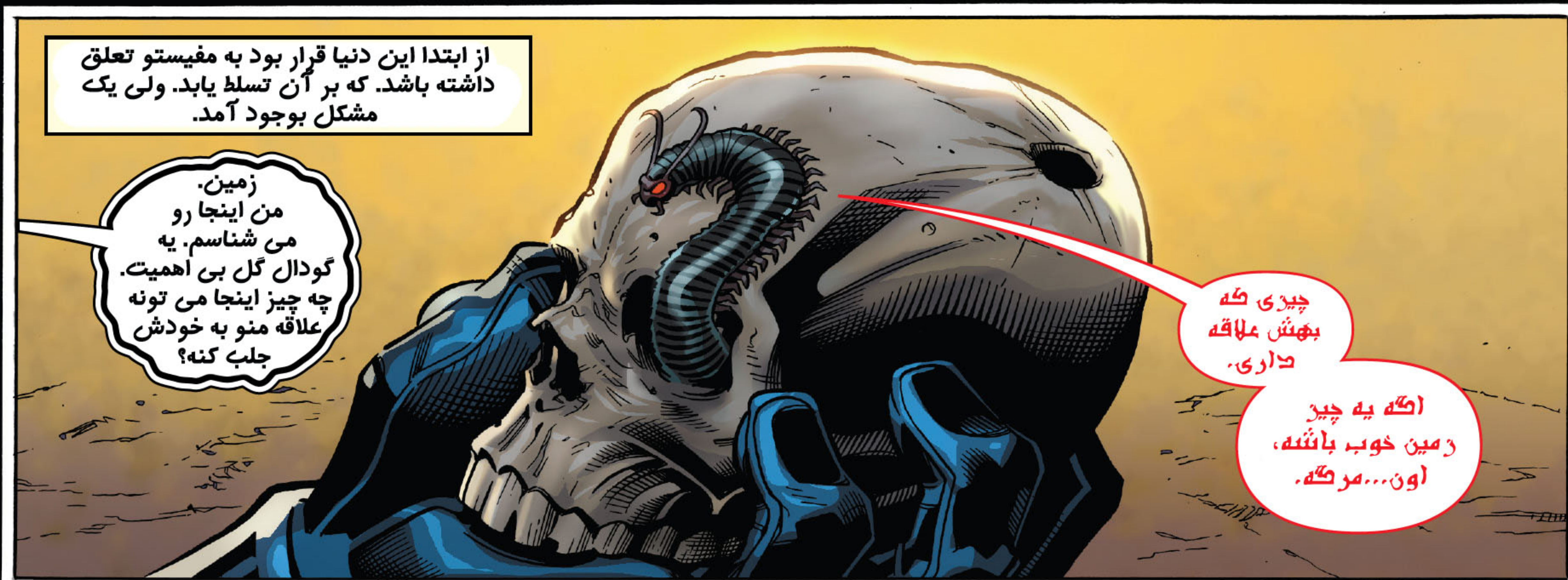
و سیاره ای را که بتازگی شکل گرفته بود، آلوده کرد.

و تکامل طبیعی آن را با مشکل مواجه ساخت.

و آن را به گودالی از جهش یافتگی ها و موجودات رادیواکتیو و زشتی که امروز می شناسیم تبدیل کرد.

با ناقوس های جهنمی، چه لحظه زیبایی بود برای تماشا. و مفیستو ناظر این منظره بود.

مانند مگسی که اولین کرم از میلیاردها کرم را تخم ریزی کرد.



از ابتدا این دنیا قرار بود به مغیستو تعلق داشته باشد. که بر آن تسلط یابد. ولی یک مشکل بوجود آمد.

زمین.
من اینجا رو
می شناسم. یه
گودال گل بی اهمیت.
چه چیز اینجا می تونه
علاقه منو به خودش
جلب کنه؟

چیزی که
بهش علاقه
داری.

اگه یه چیز
زمین خوب باشه،
اون... مرگه.



از همان روزهای ابتدایی، آلودگی زمین نیروهایی
را خلق کرد که بدنبال حفاظت از آن بودند. تا از آن
در برابر تأثیرات درونی اش حفظ کنند.

این خدایان
دروغین تو رو
مسخره می کنند.

اگه می خواهی
این دنیا رو به شکلی
که می خواهی تصویر کنی،
اونها اول باید سقوط
کنند.

بله.



و با وجود تلاش های من در طول دوران برای تغییر
موانع متعدد بین من و این نیروهای مزاحم، قدرت
آنها رشد می کرد.

تو نمی تونی
به اونها اعتماد کنی.
اونها هرگز به تو اعتماد
نخواهند کرد.

RRRRRRGGGGH!!!



و هنوز در حال رشد است. و می ترسم
نفوذ آنها در سالیان طولانی آینده هم
ادامه داشته باشد.

یادت باشه
کی هستی. یادت
باشه چهره واقعیت
چییه.

بله!

زمین
یک میلیون سال پیش

زمین انتقام جویان را
پرورش داد.

و مفیستو همیشه
بزرگ ترین دشمن آنها
بوده و هست.

آگاه
باشید موجودات
بدوی! ارباب جدید
شما ظهور کرده!

و شما
می تونید ثانوش
صداش کنید!

زمین
قرن ها پیش

از سایه ها
بحران می ساخت.

و دوران متمادی به
شعله های همیشگی جنگ
دامن می زد.

زانو بزنیید،
در برابر سرورتون
زانو بزنیید!

در برابر اپوکالیپس
زانو بزنیید!

زمین
چند سال پیش

هر بار یک هیولا.

RRRGGH!

هالک
انتقام جویان رو
له می کنه!

مدار زمین
چندین عصر پس از زمان حال

و این جنگ چندین
نبرد دیگر در پیش دارد.

تا جایی که به
انتقام جویان ارتباط
پیدا می‌کنه اونها
بیشتر برنده هستند
تا بازنده.

و اگرچه مفیستو ممکن است
برای مدتی به پا خیزد، در نهایت
به جهنم خود بازمی‌گردد.

شما چیزی نیستید جز
موریانه های قبل از
نابودی سیاره زنده!





[illegible]

خوب؟ آیا این همه برای جادوی رستاخیز کافی بوده؟ یا باید برم سراغ اسم بعدی تو لیست خانوادگی شما؟

هرگز.

ادامہ دارد...



EARTH'S MIGHTIEST HEROES

THE AVENGERS

AARON • McGUINNESS
MORALES • KEITH



دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی